

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۳/۵

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۴/۶/۲۸

یاسمن خداداده^۱، بهار علاقبند^۲

بررسی و شناخت علاقه‌های کودکان، با هدف طراحی مبلمان اتاق کودک^۳

چکیده

امروزه این حقیقت انکارناپذیر به اثبات رسیده است که کودکان در سنین طفولیت تنها به مراقبت جسمانی نیاز ندارند، بلکه باید به همه نیازهای آنها شامل مسائل عاطفی، روانشناسی و غیره توجه کرد. این مطالعه در خصوص بررسی و شناخت علایق کودکان به منظور دستیابی به الگویی جهت طراحی مبلمان برای اتاق کودک است. هدف این است که با ارائه اصولی برای طراحی مناسب جهت فعالیت‌های کودک، زمینه لازم برای دستیابی به ارضای نیازها و رشد همه جانبه او فراهم گردد. برای این کار، ابتدا مطالعات کتابخانه‌ای پیرامون کودک و مراحل رشد جسمی و روحی وی صورت گرفت. در این مطالعه سعی شد که به همه ابعاد وجودی کودکان شامل جنبه‌های روانی، عاطفی، شخصیتی، هوشی، شناختی و اخلاقی توجه گردد. با در نظر گرفتن مبحث رشد به عنوان اصلی‌ترین بخش در روان‌شناسی کودک، سه مفهوم نیازها، فعالیت‌ها و رشد کودک پیش روی طراح قرار می‌گیرد. در این مقاله سعی شده به بررسی رابطه میان این سه مفهوم پرداخته شود. سپس به منظور شناخت هرچه بهتر کودکان، مطالعات میدانی بر روی هفتاد کودک (۳۵ دختر و ۳۵ پسر) ایرانی دو تا هفت سال انجام شد. برای این مطالعه از روشی که توسط دیندلر^۱ و همکارانش در سال ۲۰۰۵ انجام شده بود، استفاده شد. با توجه به نتایج این مطالعه، الگویی اولیه و کلی از علایق کودکان ایرانی به دست آمد. این الگو می‌تواند برای طراحی مورد استفاده طراحان قرار گیرد و با در نظر گرفتن علایق کودکان، ارتباط بهتری را بین کودک و مبلمان اتاق او به وجود آورد.

کلیدواژه‌ها: کودک، روان‌شناسی کودک، طراحی مبلمان.

۱. دانشیار دانشکده طراحی صنعتی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، استان تهران، شهر تهران (نویسنده مسئول)
E-mail: khodadade@ut.ac

۲. کارشناس ارشد طراحی صنعتی، پردیس بین الملل کیش دانشگاه تهران، استان هرمزگان، کیش
E-mail: b.h.alagheband@gmail.com

۳. این مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد نگارنده اول با عنوان «طراحی مبلمان اتاق نوزاد با رویکرد احساس گر» در پردیس بین المللی کیش دانشگاه تهران است.

مقدمه

در پنجاه سال گذشته مطالعات گسترده‌ای در زمینه درک فعالیت‌های ذهنی کودک و فرایند رشد صورت گرفته است. نتایج این مطالعات اهمیت توجه به کودکی به عنوان مؤثرترین دوران زندگی انسان و توجه به کودکان به عنوان سرمایه‌های آینده را در بر می‌گیرد. فرآیند رشد انسان‌ها در کودکی، تأثیر بسزایی در شخصیت آنان دارد. بسیاری از متخصصان تعلیم و تربیت بر این باورند که شخصیت [۱] هر انسان در هفت سال اول زندگی او شکل می‌گیرد. فرآیند رشد کودک در سال‌های نخستین زندگی متأثر از عوامل بسیاری است. فعالیت [۲]، به عنوان عامل اصلی رشد و یادگیری کودک فرآیندی است که در ارتباط با فضا و محیط کودک، موجب رشد همه جانبه او می‌گردد. فضاهای مرتبط با فعالیت کودکان، باید شرایط مناسب و مطلوب برای رشد فیزیکی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی آنان داشته باشند. تحقق این امر از طریق به کارگیری عناصر طراحی که منطبق با شرایط جسمی و روانی کودک باشد امکان‌پذیر است (زویبگ، ۱۳۸۹، ۲۰). برای نیل به این هدف، شناخت کامل کودک به عنوان مخاطب طراحی، درک سطح او از رشد شناختی و توجه به رابطه‌ای که با محیط برقرار می‌کند ضروری است. در این تحقیق سعی بر آن است تا با تأکید بر حیاتی بودن نقش محیط اطراف در زندگی کودک و تأثیر آن بر آینده فردی او، الگویی جهت طراحی کودکان آماده گردد؛ زیرا ارتقای کیفیت طراحی سبب می‌شود که اهداف مورد نظر در طراحی برای کاربران (کودکان) ملموس‌تر شده و درک کودک از محیط افزایش یابد. این موضوع باعث می‌شود که کودک به محیط نزدیک‌تر شده و تجربه‌هایی هدفمند و متناسب با نیاز خود و شرایط موجود کسب نماید. ساختار این مقاله به دو بخش عمده تقسیم شده است. نخست سعی می‌شود تا با مطالعه و بررسی روی مفاهیمی همچون کودک، روان‌شناسی کودک و یادگیری از طریق محیط، به شناخت هرچه بیشتر از کاربر رسید. سپس در بخش دوم که مرحله عملی تحقیق روی کاربران را تشکیل می‌دهد، نتایج یک مطالعه میدانی که به منظور بررسی علاقه‌های کودکان ایرانی در رویارویی با مبلمان اتاق جهت تعامل بهتر با محصول انجام گرفته، ارائه می‌گردد.

۱- شناخت کودک با هدف دستیابی به الگویی جهت طراحی مبلمان اتاق کودک

۱-۱- شناخت کودک

اساساً کودک به کسی اطلاق می‌شود که سه مرحله را طی نماید. مرحله اول کودکی یعنی تولد تا دو سالگی یا دوره شیرخوارگی؛ در این مدت کودک خود را با اوضاع جدید زندگی سازگار می‌کند و برای این سازگاری از حواس مختلف خود بهره می‌گیرد. در این دوران کودک به لحاظ جسمی، عاطفی و اجتماعی رشد می‌کند و در مقابل عواطف و احساسات اطرافیان واکنش نشان می‌دهد. مرحله دوم کودکی، یعنی دو تا هفت سالگی یا دوره نونهالی؛ در این مرحله، رشد سریع جسمی، کودک را برای تجربه و یادگیری بیشتر آماده می‌کند و به تدریج که بزرگتر می‌شود، به شبکه پیچیده‌تری از تجربه‌ها دست می‌یابد و از حواس خود هرچه بیشتر بهره می‌برد و به کمک راه رفتن، با محیطی گسترده و متنوع رو به رو می‌شود. بر خلاف دوران اول زندگی، در این دوره رفتار کودک کمتر قابل پیش‌بینی است؛ زیرا از این پس تجربه‌های محیطی و تأثیری که بر او می‌گذارد مسیر رشد کودک را تعیین می‌کند. این دوره جزء حساس‌ترین سال‌های نخست زندگی کودک به شمار می‌آید به لحاظ اینکه پرسش‌های او از اطرافیان شروع می‌شود و این والدین هستند که با پاسخگویی مناسب می‌توانند ذهن کودک را شکوفا نمایند و به رشد ذهنی او

کمک کنند. مرحله سوم کودکی یعنی هفت تا ۱۲ سالگی یا دوره نوباوگی؛ ابتدا و انتهای این دوره با تحولات و شرایط جدیدی همراه است که تا اندازه‌ای بر شخصیت کودک و سازگاری‌های اجتماعی او اثر می‌گذارد. این دوره از نظر روان‌شناسان سنین گرایش به دسته و گروه است که کودک تلاش می‌کند که خود را از نظر ظاهر، رفتار و گفتار با همسالان خود تطبیق دهد. به همین جهت است که روان‌شناسان این دوره را «سن همانندسازی» نام‌گذاری می‌کنند و برخی از آنان این دوره را سن خلاقیت نامیده‌اند، یعنی دوره‌ای که در آن معلوم خواهد شد، کودک در آینده خلاق و مبتکر می‌شود یا دنباله‌رو و پیرو خواهد بود (رایس، ۱۳۹۰، ۳۵۶).

۲-۱- روان‌شناسی کودک

هدف از مطالعه کودکان آن است که بهترین و کارسازترین شیوه را برای شناخت آنان به کار بریم. برای این کار از نظر روان‌شناسی دو رویکرد وجود دارد: یکی روان‌شناسی کودک [۳] و دیگری روان‌شناسی رشد [۴].

روان‌شناسی کودک، بیانگر آن است که کودکان به‌طور کلی در دوران کودکی چه کارهایی انجام می‌دهند، چگونه فکر می‌کنند یا دارای چه احساساتی هستند. بنابراین روان‌شناسی کودک بیشتر جنبه توصیفی دارد. برای بررسی کودک از این دیدگاه، باید انواع رفتار کودکان طبقه‌بندی شوند، یعنی مشخص گردد که در هر دوره سنی چه رفتار و کرداری از آنان سر می‌زند یا چه رویدادهای احساسات، ویژگی‌ها، کشاکش‌ها و انگیزه‌هایی در سال‌های کودکی در آنان پدیدار می‌گردد. این بررسی‌ها از راه مشاهده، پرسش و مصاحبه با پدران و مادران انجام می‌گیرد. نتایج بررسی‌ها را می‌توان با رفتار کودکان دیگر یا حتی بزرگسالان سنجید. در این شاخه از روان‌شناسی، هدف این است که بدانیم کودک هنجار یا نا به هنجار چه می‌کند، چه احساسی دارد، چه اندیشه‌ها و علاقه‌هایی در هر دوره سنی بر او حاکم است (Wadsworth, 1989, 133) اما روان‌شناسی رشد، دارای جنبه توضیحی است. به این معنی که برای شناخت و ادراک کامل کودک تنها توصیف رفتارهای درونی و برونی و احساس و اندیشه او کافی نیست، بلکه آنچه در این رویکرد اهمیت دارد این است که مشخص شود چرا، چگونه و به چه وسیله این اندیشه‌ها، احساسات و علاقه‌ها در کودک پدید می‌آیند. از این روی باید از اصول و قوانین رشد کودکان به خوبی آگاه شد تا علت رفتارها معلوم گردد. گرچه هنوز به درستی مشخص نشده است که چه زمانی پس از باروری یا تشکیل نطفه، ساختار روانی موجود شروع به شکل گرفتن می‌کند، اما دیده شده است که بعضی از انواع یادگیری، مانند آموخته‌های مشروط و بازتابی، حتی پیش از تولد کودک صورت می‌گیرد. چنان‌که جنین شش و هفت ماهه ممکن است بعضی چیزها را یاد بگیرد (پارسا، ۱۳۸۹، ۴۰۸).

۴-۱- تعریف رشد کودکی

از رشد کودکی، تعاریف متفاوتی شده است که یکی از بهترین این تعاریف عبارت است از: مطالعه علمی تغییرات بدنی، اجتماعی، شناختی، هیجانی و رفتاری که در سنین کودکی روی می‌دهد (Cole, 2001, 28). عمده تغییرات مربوط به رشد انسان، مربوط به دوران کودکی است، اما این تغییرات در طول سایر دوران زندگی نیز ادامه می‌یابد. این تغییرات به دو شکل تغییرات کمی و کیفی می‌باشند. تغییرات کمی در ارتباط با تغییر حجم است، مانند افزایش وزن و قد، اما تغییرات کیفی،

تغییر در نوع، ساختار و سازمان شخصیت کودک می‌باشند، مانند سخن گفتن، بازی و محبت کردن. روان‌شناسان بر اساس این تغییرات دوران کودکی را به قسمت‌های مختلف تقسیم می‌کنند تا بر اساس آن شناسایی کودک راحت‌تر باشد (Santrock, 1986, 46).

هر کودکی منحصر به فرد است، اما با این وجود کودکان شباهت‌های بسیاری در رشد و بزرگ شدنشان نشان می‌دهند؛ به طوری که می‌توان پیش‌بینی کرد چه زمانی، چگونه و چرا کودکان کاری را انجام می‌دهند. آنها بر اساس میزان هر مرحله از رشد شناختی، فیزیکی، اجتماعی، احساسی و کلامی فعالیت را انجام می‌دهند. بی تردید، چنین بازه زمانی رشدی ممکن است برای همه کودکان یکسان نباشد. کودکان از طریق الگوهای جهانی تکامل پیدا می‌کنند، ولی این اشتراکات بر پشت پرده‌ای از وراثت، اختلافات فردی و فرهنگ ویژه هر کودک اتفاق می‌افتد (Shelov and Hannemann, 2004, 285).

جدول‌های شماره یک تا چهار خلاصه‌ای از مراحل رشد فیزیکی، احساسی و اجتماعی، شناختی و کلامی کودک از آغاز تولد تا ۱۲ سالگی را نشان می‌دهد.

جدول ۱. خلاصه‌ای از رشد فیزیکی کودک از آغاز تولد تا هفت سالگی

تولد تا ۲۴ ماهگی	دو تا سه سالگی	چهار تا پنج سالگی	شش تا هفت سالگی	هفت تا ۱۲ سالگی
• غلتیدن	• استفاده از دست شویی	• استفاده از فاشق، چنگال و کارد غذاخوری	• رشد دندان های دائمی	• توانایی تشخیص مسافت
• نشستن	• غل دادن و پرتاب توپ های بزرگ	• راه رفتن بر روی یک خط مستقیم، لی لی کردن، دویدن و پشتک زدن	• گره زدن بند کفش	• هماهنگی میان چشم و دست
• چهار دست و پا	• مسواک زدن دندان ها و شستن دست ها	• راندن ماهرانه سه چرخه	• لذت بردن از آزمایش قدرت عضلات	• افزایش قدرت بدن و چابکی دست
• ایستادن و راه رفتن	• کشف اشیاء و تجزیه و تکه تکه کردن آنها	• بستن و باز کردن دکمه هایش	• ماهر شدن در استفاده از از قیچی و اشیاء کوچک	• توانایی در حفظ تعادل
• دویدن و بالا رفتن	• کامل شدن دندان های شیری	• مشخص شدن راست یا چپ دست بودن	• دوچرخه سواری بدون چرخ کمکی	• افزایش تحمل و بردباری

منبع: Lueder, 2008, 937

جدول ۲. خلاصه‌ای از رشد احساسی و اجتماعی کودک از آغاز تولد تا هفت سالگی

تولد تا ۲۴ ماهگی	دو تا سه سالگی	چهار تا پنج سالگی	شش تا هفت سالگی	هفت تا ۱۲ سالگی
• عاشق نوازش و بازی	• ترس و دیدن کابوس	• فهمیدن قوانین ساده و پیروی از آنها	• حل کردن مشکلات از طریق احساسی	• تشخیص مسائل خوب و بد
• خندیدن به حالت های خنده دار	• به دنبال توجه و حمایت بزرگسالان	• پرسیدن متداول "چرا؟"	• تمایل به انجام کارهای خوب	• دیدن مسائل از دیدگاه دیگران
• واکنش کاملاً متفاوت به غریبه ها تا خانواده و مربیان	• تمایل به مرکز توجه دیگران	• توانایی معاشرت و شراکت	• علاقه به قوانین و تشریفات	• جسور و حادثه جو

ادامه جدول ۲. خلاصه ای از رشد احساسی و اجتماعی کودک از آغاز تولد تا هفت سالگی

تولد تا ۲۴ ماهگی	دو تا سه سالگی	چهار تا پنج سالگی	شش تا هفت سالگی	هفت تا ۱۲ سالگی
• تقلید از کارهای خانه	• تقلید به مادر یا پدر بودن	• رعایت نوبت	• علاقه به بازی های پر جست و خیز	• علاقه مند به انجام کارها و فعالیت های واقعی
• پاسخ خنده با خنده	• تصور زنده بودن اسباب بازی ها	• علاقه به کودکان تا بزرگسالان	• حساس و از لحاظ عاطفی آسیب پذیر	• تمایل به تشکیل گروه

منبع: Lueder, 2008, 937

جدول ۳. خلاصه ای از رشد شناختی کودک از آغاز تولد تا هفت سالگی

تولد تا ۲۴ ماهگی	دو تا سه سالگی	چهار تا پنج سالگی	شش تا هفت سالگی	هفت تا ۱۲ سالگی
• تشخیص چهره ها از اشیا	• جفت کردن شکل ها و رنگ های اولیه	• توانایی دسته بندی کردن	• افزایش مدت زمان توجه به اشیا و افراد	• فهمیدن دیدگاه های دیگران
• کشف اشیا یا لمس کردن و به دهان گرفتن	• فهمیدن مفهوم "دو"	• شناخت رنگ های اولیه	• حفظ کردن سه رقم	• فکر کردن درباره آینده
• استفاده درست از اسباب بازی ها	• تمایل به یادگیری استفاده از اشیا روزمره	• تشخیص روابط میان کل و اجزا	• مشکل در تصور دیدگاه های دیگران	• فهمیدن علت و نتیجه

منبع: Lueder, 2008, 937

جدول ۴. خلاصه ای از رشد کلامی کودک از آغاز تولد تا هفت سالگی

تولد تا ۲۴ ماهگی	دو تا سه سالگی	چهار تا پنج سالگی	شش تا هفت سالگی	هفت تا ۱۲ سالگی
• واکنش نشان دادن به صدای انسان	• لذت بردن از داستان ها، آهنگ ها و ریتم های ساده	• قادر به تشخیص بعضی از حروف	• دامنه واژگان وسیعی از ۲۶۰۰ لغت	• داشتن قانون، کدهای محرمانه و زبان ساختگی
• تشخیص دادن صداها	• زمزمه و سعی در آواز خواندن و بازی کردن با کلمات و صداها	• تشخیص کلمات آشنا و علائم ساده در کتاب ها	• توانایی وارونه کردن حروف نوشته شده	• لذت بردن از داستان های علمی-تخیلی، مجله و کتاب
• بیان خوشی یا ناخوشی با ایجاد صدا	• لذت بردن از تکرار کلمات و صداها	• به خاطر سپردن آدرس و شماره تماس	• علاقه مند به خواندن و نوشتن	• صحبت کردن درباره ایده ها و افکارش
• گفتن مامان یا بابا و کلمات ساده	• دنبال کردن دستورات دو مرحله ای	• دانستن ۱۳۰۰۰ کلمه	• برابری واژگان شنیداری و کلامی	• خودستایی

۱-۵- اصول اولیه طراحی برای کودکان

طراحی برای کودکان، توجه و ملاحظه بیشتری را نسبت به طراحی برای بزرگسالان می‌طلبد؛ چرا که طراحی برای کودکان با بزرگسالان متفاوت است. از مهم‌ترین موارد تفاوت می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. کودکان از نظر فیزیکی با بزرگسالان متفاوت‌اند: کودکی را می‌توان به دلیل عبور کودک از مراحل مختلف رشد که هرکدام ویژگی‌های خود را دارند، فرآیندی پویا دانست. کودکان در سنین مختلف ابعاد متفاوتی دارند. این تفاوت ابعاد و اندازه‌های کودکان با بزرگسالان لازم است که در همه زمینه‌های طراحی لحاظ شوند تا کودکان از نظر ارگونومیک در وضعیت‌های درستی قرار گیرند.

۲. کودکان از نظر شناختی با بزرگسالان متفاوت‌اند: کودکان عاشق خطر کردن هستند، چیزی که به خاطر آن از طرف والدین مورد سرزنش و تنبیه قرار می‌گیرند. مهارت‌هایشان را امتحان می‌کنند و به چالش می‌کشند و از محیط اطرافشان برای این چالش‌ها استفاده می‌کنند. این فرآیند باعث رشد مغز کودک می‌شود. مغز کودکان در مقایسه با مغز بزرگسالان انعطاف پذیرتر است. به همین دلیل است که کودکان راحت‌تر و سریع‌تر مهارت‌های جدید را یاد می‌گیرند. محرک‌های محیطی بر روی رشد کودک بسیار تأثیرگذارند و لذا فراهم نکردن تجربه‌های مناسب برای کودک، به عدم رشد عادی او می‌انجامد. بنابراین طراحان می‌توانند روی رشد کودک از طریق تجربه‌هایی که محصولاتشان برای کودکان فراهم می‌کند، تأثیر بگذارند (Benezer, 2007, 99).

۳. کودکان از نظر احساسی با بزرگسالان متفاوت‌اند: انگیزه، علایق و ترس‌های کودکان بسیار متفاوت از بزرگسالان است. کودکان به انواع مختلف چالش‌ها نیاز دارند، محیط اطراف آنها باید به گونه‌ای طراحی شده باشد که فرصت‌های پیروزی و بعضی وقت‌ها شکست و قابلیت تبدیل شکست به پیروزی با تمرین و پشتکار را فراهم کند. بازی و محیط‌های آموزشی می‌توانند به کودکان در تقویت شهامت و سرسختی که در دوره‌های بعدی زندگی به آنها نیاز دارند، کمک کنند (Bredkamp and Copple, 2003, 358).

۴. کودکان از نظر بینایی [۵] و فکری با بزرگسالان متفاوت‌اند: کودکان اشیا را متفاوت از بزرگسالان می‌بینند. کودکی که سینه‌خیز می‌رود، پاهای بزرگسالان، پایه‌های میز و سایر اشیا را با پرسپکتیوی متفاوت از بزرگسالان می‌بیند. از لحاظ فکری هم کودکان ترس‌های کمتری نسبت به بزرگسالان دارند، به دلیل اینکه تجربه‌های ناخوشایند کمتری مانند افتادن و سوختن دارند. در بسیاری از مواقع مکان‌ها و اشیائی که از نظر بزرگسالان ترسناک است برای کودکان هیجان‌انگیز می‌باشند (Christensen and Stockdale, 2007, 36).

۱-۶- آموزش و یادگیری کودکان از طریق محیط

حوزه مطالعات بر روی درک فعالیت‌های ذهنی کودک، کشف شیوه‌های یادگیری، طبقه‌بندی و گسترش این فعالیت‌ها بوده است. این نتایج گویای آن است که کودکان از توانایی‌ها و استعداد‌های زود هنگامی برخوردارند و بیش از آنچه ما فکر می‌کنیم، به زندگی اهمیت می‌دهند (McCune and Ruff, 2006, 68). مطالعاتی که روی رفتارهای تربیتی افراد پیشرو و ممتاز صورت گرفته، کارشناسان و پژوهشگران را به برخی نقاط مشترک رسانده است. پرورش این افراد از دوران کودکی در محیطی پر بار و سالم صورت گرفته که امکان رشد را برایشان فراهم کرده است.

این مطالعات که در مورد ۶۰۰ نابغهٔ معاصر آمریکایی است، نشان داده که مادران همهٔ آنها به تربیت و آموزش آنان در سنین پایین بسیار توجه داشته‌اند و همواره سعی می‌کرده‌اند با دادن مسئولیت‌های کوچک روزانه، به فرزندانشان فرصت یادگیری بدهند. آنان این نکته را به خوبی درک کرده که هرگونه یادگیری باید از طریق تفریح و بازی صورت گیرد، لذا با تشویق و ترغیب، حس کنجکاوی و انگیزه را در کودکان خود تقویت کرده و آزادی انتخاب گسترده‌ای به آنان می‌دادند. نتایج این تحقیقات، اثر ژن بر هوش انسان را به چالش گرفته و از لحاظ علمی ثابت کرده که تجربه‌های گوناگون، آموزش‌های متنوع و محیط اطراف به رشد و توانایی‌های کودک کمک شایانی می‌نماید (رومن، ۱۳۹۱، ۲۸۵). نظریات مختلفی در زمینهٔ نگرش به طبیعت انسان موجود است که همه بر نقش محیط بر رشد او در ابعاد مختلف اتفاق نظر دارند. روان‌شناسان معتقدند که کودکان می‌توانند مهارت‌های مورد نیاز برای اندیشیدن را از طریق بازی، فعالیت و رابطه متقابل با کل محیط فراگیرند. «اتاق کودک [۶]»، به عنوان بخشی از محیط که فعالیت در آن صورت می‌پذیرد، نقش بسیار مهمی در به فعلیت رساندن استعدادها و درونی کودک دارد (استرایکر، ۱۳۸۹، ۱۴۹). اتاق کودک قلمرویی مخصوص به آن است. آنجا برای او همچون جهان بزرگ تصور می‌شود. او در آنجا بازی می‌کند و در رویاهای خود فرومی‌رود. کودک نوپا بسیار خلاق و ماجراجوست. او علاقهٔ زیادی به انجام حرکات مهیج دارد. این کودک، خیال پرداز، شلخته، خلاق و پرانرژی است و دوست دارد کنجکاوی و کاوش را همراه با بازی در دنیای خود انجام دهد، بنابراین محیط اطرافش باید مطابق با فعل و انفعال درون کودک باشد و حس کنجکاوی او را برانگیزد (Salk, 2008, 133).

۲. مطالعه بر روی کاربران گروه هدف

آنچه تاکنون دربارهٔ رشد، روان‌شناسی و دیگر مسائل کودک مطرح شد، تنها گوشه‌ای از شناخت لازم نسبت به کودکان را فراهم می‌سازد. برای به دست آوردن اطلاعات بکر و دسته اول و همچنین پی‌بردن به علاقه‌ها و احساسات کودکان در رابطه با مبلمان اتاق خود و کشف عواملی که باعث جذب و یا دفع آنان در استفاده از سرویس خواب می‌شود، لازم است مطالعه‌ای روی کاربر [۷] انجام گردد. جزئیات این مطالعه در ادامه ارائه می‌شود. برای انجام این مطالعه، پس از انجام یک سری مصاحبه‌های غیر رسمی و مشاهدات عینی در زمان استفادهٔ کاربران از مبلمان، تصمیم گرفته شد که از ترکیب روش‌های مصاحبه، نقاشی و کلاژ استفاده شود.

۲-۱ معرفی گروه شرکت کنندگان

در این بررسی، از ۳۵ کودک دختر و ۳۵ کودک پسر بین دو تا هفت سال کمک گرفته شده است. در تمام مراحل مطالعه که به وجود کودکان نیاز بود، از همین گروه کودکان استفاده شد، به این دلیل که کودکان در کل فرایند شرکت‌کنند تا بتوانند بیشتر خود را با اصول و شیوه‌های بررسی هماهنگ کنند و در نتیجه بتوان اطلاعات بیشتر و دقیق‌تری جمع‌آوری کرد.

۲-۲ روش برگزاری مصاحبه با کودکان

انجام مصاحبه برای این مطالعه یک ماه به طول انجامید. روشی که برای مصاحبه استفاده شد، اولین بار توسط دیندلر [۸] و همکارانش معرفی شده است، این روش یک تکنیک مصاحبه است که با نقش بازی کردن ترکیب شده و در آن، کودکان با شخصیت خیالی هم‌سن خود ارتباط برقرار

می‌کنند و سعی دارند که مشکل دوست خیالی خود را حل کنند. مزیت این روش در آن است که کودک خود را متخصص موضوع می‌داند و تمامی موضوعات را با تمام جزئیات برای شخصیت خیالی توضیح می‌دهد و برای حل مشکل او تلاش بسیاری می‌کند. حال آنکه در حالت عادی، وقتی با کودک مصاحبه می‌شود او با این تصور که بسیاری از مطالب برای مصاحبه‌کننده روشن است، جزئیات را حذف می‌کند. این روش اجرا، سعی دارد کودک را وادار کند تا مسائل را با جزئیات مورد نظر خود توضیح بدهد و تمرکز اصلی این است که کودک فکر نکند که بزرگتری که سؤال را می‌پرسد، خودش جواب درست را می‌داند (Dindler, et al, 2005, 16). از آنجایی که این روش برای جمع-آوری اطلاعات از کودکان روش دقیق و مناسبی است، تصمیم گرفته شد که برای این مطالعه مورد استفاده قرارگیرد. به این ترتیب، در اولین روزها، کودکان مورد مطالعه با داستان کودکی آشنا شدند که اتاقش را دوست ندارد و از خوابیدن در تخت‌خوابش اجتناب می‌کند. سپس از کودکان خواسته شد تا به این کودک در ساخت اتاق مورد علاقه‌اش کمک کنند. به این منظور، بچه‌ها شروع به درست کردن کلاژ و نقاشی اتاق مورد علاقه‌شان کردند (تصویر ۱). در هنگام درست کردن کلاژ، مربیان، هر گروه را راهنمایی می‌کردند. وجود این کار برای متمرکز کردن کودکان روی موضوع اصلی بسیار لازم بود و شاید بتوان گفت یکی از مشکل‌ترین مراحل کار، حفظ تمرکز بچه‌ها روی کار بود. بکر و همکارانش نیز تحقیقی با عنوان کیدریپورتر [۹] در زمینه درست کردن کلاژ با بچه‌ها امتحان کرده بودند که به نتایج قابل ملاحظه‌ای دست یافته بودند و این روش را بهترین شیوه برای دریافت اطلاعات از کودکان دانسته‌اند (Bekker, et al, 2003, 187). به همین دلیل از این شیوه به همراه روش مصاحبه دیندلر برای جمع‌آوری اطلاعات از کودکان استفاده شد. در انتهای روز، پس از اتمام کارهای کلاژ و نقاشی، کودکان دور هم جمع شدند و در مورد نقاشی‌ها، کلاژها و علایق کودکان پیرامون موضوع مورد مطالعه، با آنها بحث و گفت‌وگو شد (تصویر ۲). از آنجایی که کودکان گروه هدف را کودکان زیر هفت سال تشکیل می‌داد و این گروه سنی هنوز توانایی لازم در نقاشی کردن را نداشتند، لذا بسیاری از نقاشی‌ها و کلاژهای آنها قابل درک نبود و نیاز به توضیح داشت. به طور مثال کودکی خطی کشیده و اذعان داشته‌بود که این تخت‌خواب کودک است که شبیه ماشین است. از این رو بحث و گفت‌وگو با کودکان پیرامون نقاشی‌ها و کلاژهایشان بسیار ضروری و مهم بود و کمک موثری در درک نظراتشان می‌کرد. آنالیز آماری با نرم افزار اکسل [۱۰] انجام شد.



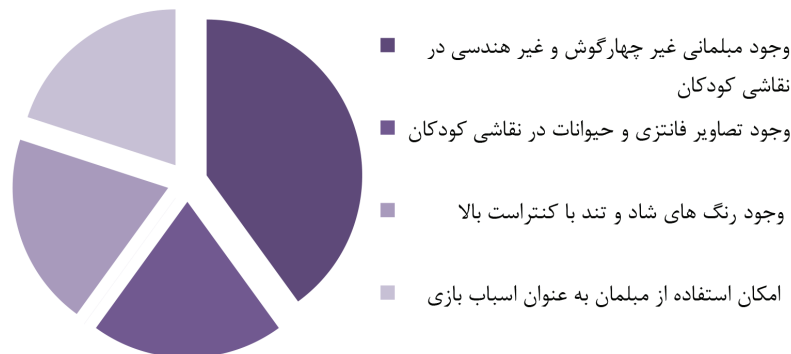
تصویر ۱. کودکان دو تا هفت سال مورد مطالعه در حال نقاشی و کلاژ



تصویر ۲. نمونه ای از نقاشی‌های کودکان در مطالعه انجام شده

۳- اتاق ایده‌آل بر اساس علاقه‌های کاربران گروه هدف

نتایج به دست آمده از مطالعه، بررسی و پیرامون آنها با مربیان و طراحان بحث و بررسی انجام شد. قسمتی از این نتایج در تصویر ۳ به صورت نمودار نمایش داده شده است.



تصویر ۳. نمودار نتایج به دست آمده از کلاژ و نقاشی کودکان

همچنین نتایج قابل توجهی در مورد اتاق مورد علاقه کودکان به دست آمد که می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

در نظر گرفتن فضای شخصی

بر اساس مطالعات انجام شده، کودکان تمایل دارند مانند بزرگسالان برای خود فضای شخصی داشته باشند و بیشتر مدت زمان روز را در این فضا سپری کرده و به بازی، مطالعه و استراحت بپردازند. این فضا می‌تواند اتاق یا حتی گوشه‌ای دنج از یک اتاق بزرگ باشد. نکته‌ای که باید در نظر گرفت این است که این فضا باید مکانی روشن، خلوت، رنگارنگ، جذاب، منظم، پر نشاط ولی آرامش بخش و بی‌خطر باشد تا مورد توجه کودکان قرار گیرد. بسیاری از کودکان گروه هدف،

فضای شخصی را در مبلمان خود جست‌وجو می‌کنند؛ مانند فضایی در زیر تخت یا میزشان. این فضا حتی می‌تواند توسط پارچه‌ای که به گوشه‌های تخت نصب می‌شود ایجاد شود. کودکان به دنبال فضایی به اندازه خودشان هستند تا در آن حس آرامش و امنیت داشته باشند. بنابراین بهتر است مبلمان اتاق کودک به گونه‌ای طراحی شود که بتواند فضای شخصی را برای کودک فراهم کند.

مبلمان متناسب با سن و توانایی‌های کودک

وجود مبلمان متناسب با سن کودک باعث تقویت حس اعتماد پذیری و مسئولیت‌پذیری در کودک می‌شود. متأسفانه بسیاری از والدین هنگام خرید مبلمان برای کودک خود سعی می‌کنند مبلمانی را انتخاب کنند که او سال‌ها بتواند از آن استفاده کند، حال آنکه نیاز کودک در هر مرحله از رشد متفاوت است. ناتوانی در استفاده از مبلمان باعث تضعیف حس اعتماد به نفس در کودک می‌شود، علاوه بر اینکه استفاده طولانی مدت از یک مبلمان کودک را از اتاق خود دلزده می‌کند. در این موارد بهترین انتخاب مبلمانی است که همزمان با کودک رشد کند و با نیازهای جدید او منطبق شود. به عبارت دیگر شکل و کاربرد خود را متناسب با سن کودک تغییر دهد. علاوه بر مبلمان کودکان اتاقی را دوست دارند که باثبات و ساختاربندی شده باشد. کودکان مانند بزرگسالان وسایل یا اسباب بازی‌ها دارند که دوست دارند آنها را در معرض دید قرار دهند تا هم از دیدن آنها لذت ببرند و هم راحت به آنها دسترسی داشته باشند. فضاهای ذخیره سازی با دسترسی راحت در اتاق کودک می‌توانند به وی کمک کنند تا راحت‌تر بتواند بر محیط اطراف کنترل داشته باشد.

استفاده از تصاویر فانتزی و رنگ‌های شاد

همان‌طور که نمودار تصویر ۳ نیز نشان می‌دهد، نقش‌ها و تصاویر فانتزی و خیالی باید در اتاق یک کودک نوپا جایی برای خود داشته باشند؛ زیرا کودکان در این گروه سنی به راحتی بین خیال و واقعیت حرکت می‌کنند و این کار برایشان بسیار جالب است. در طرح‌های اجرا شده با حیوانات، اغلب کودکان پس از مدتی با حیوانات روی دیوار صحبت کرده و ارتباط برقرار می‌کنند. آنها را در تخیلاتشان زنده فرض می‌کنند و با آنها به بازی می‌پردازند و نامشان را یاد می‌گیرند. رنگ‌ها بر سلامتی روان کودکان تاثیر بسزایی دارند. در انتخاب رنگ مبلمان کودک نباید از رنگ‌های محرک و تند استفاده کرد. رنگ‌های بسیار تیره مانند قهوه‌ای و مشکی و آبی تیره، بیشتر تأثیر ترس و وحشت دارند و در کودک ایجاد خوف می‌کنند، تحقیقات مشابهی که در این زمینه انجام شده نیز این نکته را تأیید می‌کند (هالند، ۱۳۸۹، ۲۴۲). بچه‌های کوچک از مبلمانی که طرح‌های گل و اسباب بازی یا حیوانات روی آنها حک شده باشد بسیار خوششان می‌آید. کودکان پیش دبستانی هم نسبت به رنگ‌های قهوه‌ای روشن، قرمز سیر، سبز ملایم و آبی روشن احساس خوبی دارند. نوزادان نیز معمولاً از رنگ‌های شاد و تند با کنتراست بالا لذت می‌برند. رنگ‌های روشن به چشم بچه‌ها باشکوه هستند. آنها مکانی را دوست دارند که ساده، عاری از تنوع زیاد همراه با آرامش، انرژی، نور و حرکت باشد. در نهایت، برای انتخاب طرح و رنگ برای اتاق کودک، باید کودکانه اندیشید و این امکان را فراهم کرد که اتاق کودک مکانی خاص و لذت بخش برای او باشد.

استفاده از فرم های کودکانه و کارتونی

بر اساس نتایج به دست آمده از تحقیقات (تصویر ۳) کودکان گروه هدف تمایل بیشتری به استفاده از مبلمانی دارند که شکل هندسی و چهارگوش نداشته باشند، مانند مبلمانی به شکل ماشین برای پسرها یا خانه پرنسس برای دخترها. شکل متفاوت این‌گونه مبلمان‌ها باعث تشویق کودک به استفاده از آنها و حتی تلاش برای حفظ و نگهداری آنها از جانب کودک می‌شود.

بازی و یادگیری

کودکان در حین رشد و از طریق بازی فرآیند یادگیری را طی می‌کنند؛ بنابراین فرقی میان بازی و یادگیری نمی‌گذارند؛ چراکه در حین بازی با اشیا، روند فراگیری نیز انجام می‌شود. به این دلیل کودک همواره به حرکت و جنبش نیاز داشته و بدان رغبت دارد (Bruce, 1993, 239). این نیاز و رغبت در کودکان گروه هدف حتی در هنگام استفاده از مبلمان نیز دیده می‌شود. براساس نمودار ارائه شده در تصویر ۳، کودکان دوست دارند مبلمان اتاقشان به گونه‌ای سرگرم کننده باشد، مثلاً از آن بالا بروند، بپرند، سر بخورند و یا در آن قایم شوند. چنین مبلمانی علاوه بر اینکه به کودک در تقویت مهارت‌هایش کمک می‌کند می‌تواند او را برای رفتن به مرحله بعدی از رشد نیز آماده کند.

نتیجه گیری

مفهوم «طراحی برای کودکان ۱۱» طراح را با یک دوگانگی روبرو می‌کند؛ از سویی با موجودی به عنوان مخاطب روبروست که از دید او ضعیف و ناتوان است، به مراقبت و توجه زیادی نیاز دارد و بسیاری از کارها را نمی‌تواند به تنهایی و بدون کمک بزرگ‌ترها انجام دهد. از سوی دیگر موجودی در برابر او قرار دارد که از فطرت پاک انسانی برخوردار است، موجودی که با سرعت در حال رشد است و هر روز چیزهای تازه در باره خودش و دنیایی که در آن زندگی می‌کند، می‌آموزد. انسانی که شخصیتش در حال شکل گرفتن است و محیطی که طراح برای او به وجود می‌آورد تاثیر به سزایی در رشد، شکوفایی و شکل گیری شخصیت او دارد.

طراح وظیفه دارد فضایی خلق کند که از همه لحاظ پاسخگوی نیازهای کودک و زمینه ساز رشد او شامل؛ رشد شناختی، عاطفی، هوشی، شخصیتی و اجتماعی باشد. شکی نیست که اتاق کودک در رشد او تاثیر بسیار مهمی دارد، اما اغلب در طراحی مبلمان اتاق کودک توجه اندکی به ارتباط آن با رشد، یادگیری و احساسات کودک شده است. بیشتر سرویس خواب‌های موجود بشکلی نا به جا و بدون در نظر گرفتن نیازهای احساسی و اجتماعی کودک طراحی می‌شوند. یکی از دلایل عمده این کار را می‌توان مربوط به عدم وجود ارتباط صحیح با کاربران دانست. بر همین اساس آزمون روش‌های گردآوری اطلاعات از خود کاربران کودک بطور مستقیم از جمله اهداف این پژوهش بوده است، عامل دیگر را می‌توان روند سریع تغییرات و رشد در کودکان دانست که طراحی را برای آن‌ها به یک چالش تبدیل کرده است. علاوه بر دلایل ذکر شده، انتخاب و خریداری محصولات توسط والدین را می‌توان عامل تاثیرگذار دیگر دانست. وقتی که طراحی برای بزرگسالان انجام می‌گیرد، طراحان معمولاً کاربر نهایی را که محصول توسط وی خریداری می‌شود، شناسایی کرده و برایشان طراحی می‌کنند. بنابراین استراتژی فروش و بازاریابی براساس جذب افراد بالغ و بزرگسال می‌باشد. در حالی که محصولی که برای کودکان طراحی می‌شود،

توسط والدین و اطرافیان کودک خریداری می‌گردد. لذا در بسیاری از موارد علایق و سلیق کاربر کودک حذف شده و در نظر گرفته نمی‌شود. محصولاتی که با رشد کودکان تغییر می‌کنند، برای بزرگسالان که خریداران اصلی هستند، جذابیت بیشتری دارند به دلیل اینکه کودک مدت زمان بیشتری می‌تواند از آنها استفاده کند. این محصولات که اندازه و فرمشان تغییر پذیر و قابل تنظیم است، برای کودکان سنین مختلف مناسب می‌باشد. مانند سرویس‌های خوابی که از کودکی تا نوجوانی با ایجاد تغییراتی می‌توان از آنها استفاده کرد. هنگام طراحی برای کودکان، طراح باید محصول را هم برای کودک با شرایط فعلی‌اش و هم برای کمک کردن به او برای رفتن به مرحله بعدی رشد، طراحی کند. این محصولات به طور خلاصه باید دارای شرایط ذیل باشند:

- پاسخ به نیاز بازی و آموزش کودک به همراه راحتی و ایمنی در زمان استفاده از آنها
- مناسب برای کودکانی با سطح‌های مختلف رشد شناختی و فیزیکی
- پشتیبانی از سطح مهارت‌های فعلی درحالی‌که کودک را به کسب یادگیری مهارت‌های جدید برای رفتن به مرحله بعدی رشد تشویق می‌کند.
- نتایج به دست آمده از این مطالعه، می‌تواند به عنوان الگویی برای طراحی مبلمان اتاق کودک مورد استفاده قرار گیرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. Personality.
۲. Activity.
۳. Child's psychology.
۴. Development's psychology.
۵. Perspective.
۶. Kid's room.
۷. User-study.
۸. Claus Dindler.
۹. Kid Reporter.
۱۰. Excel
۱۱. Designing for kids

فهرست منابع

- استرایکر، سوزان (۱۳۸۹) *کلیدهای پرورش خلاقیت هنری در کودکان و نوجوانان*، ترجمه اکرم قیطاسی، انتشارات صابرین، تهران، صفحه ۱۴۹.
- پارسا، محمد (۱۳۸۹) *روانشناسی رشد کودک و نوجوان*، انتشارات بعثت، تهران، صفحه ۴۰۸.
- رایس، جان (۱۳۹۰) *رشد انسان (روانشناسی رشد از تولد تا مرگ)*، ترجمه دکتر فروغان، انتشارات ارجمند، تهران، ص ۳۵۶.
- رومن، کریستیان (۱۳۹۱) ۱۵۰ شیوه تقویت هوش کودک، ترجمه محسن عابدی، انتشارات زکر، تهران، ص ۲۸۵.
- زویبگ، مگ (۱۳۸۹) *کلیدهای رفتار با کودکان*، ترجمه زهرا جعفری، انتشارات صابرین، تهران، ص ۲۰.
- هالند، کتی (۱۳۸۹) *کودک کجا و چگونه باید بخوابد؟ ترجمه فاطمه صهبا*، انتشارات پیدایش، تهران، ص ۲۴۲.
- Bekker, M., Beusmans, J., Keyson, D and Lloyd, P. (2003) Kid Reporter: a user requirements gathering technique for designing with children. *Interacting with Computers*, vol.15 (3) pp. 187.
- Benezet, T. (2007) *Development is child's play: Developmental toys for children*, pp. 99.
- Bredekamp, S. and Copple, C. (2003) *Developmentally appropriate practice in early childhood*

- programs, National Association for the Education of Young Children, pp. 358.
- Bruce, T. (1993) *The role of play in children's lives*. Childhood Education, pp. 239.
 - Christensen, K.E. and Stockdale, D.F. (2007) *Predictors of toy selection criteria of preschool children's parents*, pp. 36.
 - Cole, M. (2001) *The Development of Children*, 4th edn, Worth Publishers, pp. 28.
 - Dindler, C., Eriksson, E., Sejer, O., Lykke-Oleson, A., and Ludvigsen, M. (2005) *Mission from mars -A method for exploring user requirements for children in narrative space*, pp. 16.
 - Lueder, R. (2008) *Ergonomics for children*, Taylor & Francis, pp. 937.
 - McCune, L. and Ruff, H. (2006) *Infant special education: Interactions with objects*, pp. 68.
 - Salk, S. (2008) *Room for children*, Rizzoli publication, pp. 133.
 - Santrock, J.W. (1986) *Life-Span Development*, Brown Publishers, pp. 46
 - Shelov, S.P. and Hannemann, R.E. (2004) *The Complete and Authoritative Guide: Caring for Your Baby and Young Child Birth to Age 5*. The American Academy of Pediatrics, Bantam Books, pp.285.
 - Wadsworth, B.J. (1989) *Piaget's Theory of Cognitive and Affective Development*, 4th edn, Longman, pp. 133

